

بیداری

جامعه گوسفندی

لایق حکومت

گرگان است.

برتراند راسل

شماره ۲- سال یکم شهریور ماه ۸۲- سپتامبر ۲۰۰۳

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی

زیر نظر شورای نویسندگان

از لباس کهنه ات

خجالت نکش، از

افکار کهنه ات

شرمنده باش

انیشن

بهای «بیداری» در صفحه ی آخر

سرمقاله

جایگزینی برای دین

شماری از خوانندگان «بیداری» پرسیده اند، شما که دین را پدیده ای زیان آور، دشمن ساز، و بی پایه و اساس میخوانید، برای انسان های ضعیفی که همواره میخواهند به یک نیروی نادیده متکی باشند تا در هنگام پیشامد ها دست بدامن آن بشوند، چه چیزی را جایگزین دین و خدا می کنید.

پیش از اینکه جایگزینی برای دین و خدا ارائه دهیم، باید بدانیم، هر آنچه را انسان از ادیان و خدا شنیده است، تلقین ها و آموزش هایی است که طی سده ها و هزاره ها طبقه ای به نام مردان خدا، با ایجاد ترس، بطور دائم به گوش انسان ها خوانده اند و انسانها هم بدلائل گوناگون که مهمترین آنها نا آگاهی است چشم بسته این ادعا های بی اساس را پذیرفته اند. و هیچ برهانی بر درستی ادعا های آن ها تاکنون بدست نیامده است.

باور های اکتسابی تا زمانی که با چشمان علم دیده نشوند، باور های بیهوده و افسانه هایی غیر راستین هستند که هیچ گونه تأثیری بر زندگی انسان ها ندارند. خیلی از مردم دین شان را عوض می کنند و یا از با خدایی به بی خدایی میروند که کوچکترین اتفاقی رُخ نمیدهد.

و اما چه چیزی می تواند و بایستی جایگزین این باور های بیهوده گردد که از ترس و وحشت انسانها بکاهد؟ برای رسیدن به این پاسخ، ناگزیر به آوردن یک مثال واقعی می شویم.

فرض کنید فرزند یکی از همین انسان های مذهبی که همواره متکی به یک نیروی نا دیدنی است و او را

خدا چیست

صفحه ۳

روشنفکران زحمت آفرین

صفحه ۶

یکتا بودن خدا چه مزیتی دارد

صفحه ۷

نامه های شما

صفحه ۹

سخنی با روشنفکران راستین

صفحه ۱۰

دکتر مسعود انصاری

علائم ظهور امام مهدی قائم

فقها و نویسندگان مشهور شیعه گری و بویژه ملا محمد باقر مجلسی، علائم ظهور امام دوازدهم را بر پایه گفتار های امام ها به تفصیل در نوشته های خود شرح داده اند خوانندگان ارجمند توجه داشته باشند، مطالب این گفتار بدون کم و زیاد از فقها و نویسندگان مذکور است و هیچ گونه دخل و تصرفی در آن بعمل نیامده است.

یکی از نشانه های ظهور امام زمان خروج «سفیانی» است، سفیانی از فرزندان ابوسفیان بوده و چهره ای بسیار زشت و کریه و پُر آبله دارد.

او در هنگام ورود به بابل بیش از سه هزار نفر را به قتل میرساند و بیش از یکصد زن را مورد تجاوز قرار میدهد. او ۶ ماه جنگ می کند تا بالاخره به دست امام قائم کشته می شود.

دومین نشانه ظهور امام مهدی آنطور که شیخ طوسی می نویسد، خورشید از مغرب طلوع می کند و آفتاب از ظهر تا عصر از حرکت باز می ایستد.

بقیه در صفحه ی ۸

دین ها بازی هایی هستند که مانند شطرنج و تخته نرد از آسیا به اروپا آمده اند - ولتر

جایگزینی برای دین

پشت و پناه خود میداند، در یک سانحه بزرگ اتومبیل، به سختی آسیب ببیند و به مرگ نزدیک شود. پرسش نخست این است، اگر این انسان گرفتار شده و دردمند، شخصی بدون گرایش مذهبی و بی دین بود در چنین رخدادی دست به دامن چه کس و یا چه چیزی میشد؟ همانطور که میدانیم بیش از نصف مردم جهان که در کشورهایی مانند چین، کره شمالی، روسیه، بخشی از اروپای شرقی و حتی در میان مردم کشور های مذهبی زندگی می کنند، خدایی را نمی پرستند و گرایش مذهبی هم ندارند، در آمریکا سیزده میلیون بی خدا زندگی می کنند که روز بروز هم بر شمارشان افزوده می شود.

بی گمان این اکثریت بزرگ انسانی در هنگام گرفتاری های سخت مانند مثال بالا و یا بیماری های بدون درمان، تنها به پزشک چیره دست و آخرین دارو های کشف شده می اندیشند و بس. و حتی آنها هم که باور های تئود مذهبی دارند، در هنگام بروز چنین پیش آمدها دلگرمی نخست شان یک پزشک کارآمد است تا خدا و پیامبر و امام و غیره، حتی اگر به ظاهر خدا خدا هم بکنند، محال است فرزند خود را بجای بُردن به یک درمانگاه به مهم ترین مرکز مذهبی خودشان (به اصطلاح خانه خدا) ببرند، آنها در چنین هنگامی فرزند آسیب دیده را نزد یک حکیم باشی بی سواد میبرند ولی به نزد یک مرجع بزرگ مذهبی نخواهند بُرد.

خود این مراجع مذهبی که شب و روز هم به ظاهر با خدا در ارتباط و راز و نیاز هستند بمحض بیمار شدن بجای رفتن به سوی «حرم مطهر!» و آویزان شدن به «ضریح مقدس!» به سوی بیمارستان و پزشک روانه می شوند.

چون آنها بهتر از مقلدین خود از پشت پرده فلسفه مذهب آگاهی دارند. و هیچ انسانی در زندگی خود ندیده که به التماس و نیایش کسی، خدایش یک دانه باران ببارد، یک بیمار را شفا دهد، بدهکاری کسی را بپردازد، جلوی جنگی را بگیرد، در هنگام بروز زلزله و جریان سیل از کشتار و خرابی جلوگیری کند و... و...

از این رو انسانها بایستی بجای اتکاء به باور های مذهبی که هیچ

نیروی ندارند، به نیروی اخلاق، به نیروی دانش و از آنها گرانمایه تر به نیروی همبستگی و یاری بین انسانها باور پیدا کنند.

شوربختانه از باور های مذهبی بیهوده، تنها سیاستمداران زیرک و ملایان فریبکار سود میبرند و بس. در صورتی که با پیشرفت دانش و صنعت می توان (برای مثال) اتومبیلی ساخت که در سخت ترین پیش آمد ها گزندگی به سرنشین آن نرسد و یا با کشف دارو برای کلیه بیماریهای انسانی که اینک بدون درمان است مرگ و میر های ناشی از بیماری و سوانح را تقریباً از میان برداشت که بالاخره روزی چنین خواهد شد.

در چنین حالتی است که توجه انسان ضعیف مذهبی از سوی نیرو های نا دیده و موهوم بسوی نیرو های دیدنی و راستین که همه در دست خود انسان ها است بر می گردد و نیروی خرد و اندیشه جایگزین نیرو های گمراه کننده و خرافی مذاهب و خدای ساختگی ادیان می شود.

البته این مهم هنگامی بدست می آید که از تباه کردن زمان و بر باد دادن منابع و درآمدهای مالی که بدست مذهب از بین میرود جلوگیری شود و آنها را در عوض برای پیشبرد دانش و نیرومندتر کردن انسان بکار برد. کار سختی نیست با از میان بُردن تدریجی خرافات که وظیفه خردمندان جامعه است این آرزو بدست آمدنی است و شما خواننده گرامی این نوشته می توانید یکی از آغازگران این کار خجسته باشید تا مردم بیشتر از این بدنبال خرافات مذهبی و دست غیبی و معجزه انحصاری نباشند و به نیروی شگفتی آفرین خود انسان، که خدای جهان خویش است آگاهی پیدا کنند و از زندگی خود بیشترین بهره را ببرند. مولوی چند سده پیش به نیروی انسان پی برده که گفته، ای آنکه طلبکار خدایید، خدایید.

۳۰ مرغ ها در بلندترین نقطه کوشش خود دریافتند که از سمیرغ خیالی در آن بالا خبری نیست و سمیرغ رهایی بخش خود ۳۰ مرغشان هستند.

انسان امروز هم آمادگی بسیار دارد که نقطه اوج تفکر، خدایی خود را ببیند و از موهومات و خرافات درخواست یاری نکند. و بجایش به دانش و همبستگی انسانی تکیه کند

فقط خدا

بسیاری از مردم می گویند «ما فقط خدا را قبول داریم و نه چیز دیگری را» که منظورشان از چیز دیگر همان واسطه ها و دلال های دین از پیامبرها گرفته تا امام ها و آخوند هایشان می باشد.

البته جای خوشحالی است که اینگونه افراد به نیمه راه آگاهی رسیده اند و در راه رسیدن به حقیقت بزرگ گام گذارده اند. و به زودی مانند آن سمیرغ های جستجوگر جز خود خدایی را نخواهند یافت. ولی باید آنها را به اندیشه واداشت که هنوز اسیر آن فریب بزرگ ادیان باقی مانده اند.

خدا چیست

شگفتا، پرسش همیشگی «خدا چیست» تنها در بین باورمندان به خدا مطرح است! وگرنه جستجوی ماهیت خدا در میان نا باوران به خدا که در بسیاری از کشورهای جهان مانند چین، روسیه، کره شمالی، بخشی از اروپای شرقی و حتی بسیاری از مردم کشورهای مذهبی زندگی می کنند اصلاً مطرح نیست. باورمندان به خدا که بایستی آنچه را که می پرستند، خوب بشناسند، خود در برزخ ندانستن خدا چیست و خدا کجاست و بسیاری پرسش های دیگر سرگردان و گرفتار شک و شبهه فراوانی هستند. گوناگونی صفات خدای خود ساخته انسان که صفات و اعمال او همان خصوصیات یک انسان معمولی است چنان دگرگون، ناهمگون و وارونه است که همه خدا پرستان را سر در گم و شکاک کرده است.

در جایی خدا رحمان و رحیم است، در جایی مکار و جبار می شود، و در همان حال که این خدا نه جسم است و نه روح، در دینی با یکی از پیامبران کشتی می گیرد و در آن دیگر دین زنی را حامله می کند. این خدای عجیب و غریب در تدارک بر پایی مکانی است که مخلوق خودش را در آتشی بس وحشتناک بسوزاند و یا بهشتی را وعده می دهد که بمانند محله های بدنام، مکانی فقط برای خوشگذرانی، رفع عطش مسایل جنسی و شهوانی انسان باشد.

واقعاً خدا چیست؟ فیلسوف نامدار جهان دکتر ایل چی لی، خدا را چنین تعریف می کند.

«خدا چیست»

یکی از بزرگترین معماها و دائمی ترین پرسش های تاریخ بشر در باره خدا می باشد.

«خدا چیست و او را چگونه تعریف میکنید؟ پرسشی است که نواغ جستجوگر را با بهترین تفسیرها و عالی ترین تحقیق های روشنگری به ژرف ترین نا امیدی ها راهنمایی کرده است. پاسخ های گوناگون به این پرسش، ایجاد برخورد ها و رنج های فراوانی در اطراف و اکناف جهان برای مردم داشته است.

آنچه که ثابت کردنی است و ما امروز به آن رسیده ایم، خدا محدودیت

ها و نا امیدی های ما را تعیین و تعریف می کند.

زمانی که انسان در گهواره تمدن بود هر چیز در حول و حوش خودش را «خدا» می نامید و هر درخت و سنگ و گل و برگ خدایی داشت که آن را محافظت می کرد.

در پشت هر پدیده مانند باد و باران و آتش یک خدا وجود داشت که دگرگونی های فاجعه آمیز طبیعت، اوامر بوالهوسانه خدا برای ترس و احترام به او بود.

انسان با نا شناخته ها محاصره شده بود، بمجرد اینکه کار کرد های ورای هر ناشناخته را آموخت و آن نا شناخته، شناخته شد و معلومات او توسعه یافت، به همان اندازه هم نفوذ خدایان رو به نقصان گذارد، و انسان تشخیص داد که تا چه اندازه به دانستن بیشتر نیاز دارد.

در این مسیر، بزرگترین تشخیص ها درک نادانی خود انسان بود، هرچه هوش انسان رشد مینمود، بیشتر تشخیص میداد که به پرسش های بیشتری نیاز دارد «چرا آسمان آبی رنگ است و بی انتها، چرا در کهکشانها این همه ستارگان هستند و در نهایت من که هستم و چرا اینجا هستم؟ در حقیقت «خدا» نماینده محدودیت های معلومات انسان شد.»

هنگامی که عقل و هوش ما نقصان می گیرد، خدا حکمرانی می کند، ما مجموع امیدهای غیر ممکن و رویای خود را «خدا» می نامیم.

هر زمانی که بتوانیم کاری را انجام دهیم، خود انجام میدهیم و زمانی که نتوانیم از خدا میخواهیم که آن را برای ما انجام دهد.

زمانی که تشنه هستیم و آب در دسترس است، از خدا آب نمی خواهیم، اما هنگامی که با کمبود باران روبرو شویم دست به دعا و نماز بلند می کنیم.

با چنین روشی خدا برآورنده خواسته هایی است که ما خود نمی توانیم آن را بدست آوریم. این است که خدا در اولویت آرزو های ما رشد میکند. خدا به همان اندازه که در خواسته های دست نیافتنی ما نفوذ میکند، انرژی چنین خواسته هایی هم به او قدرت و اعتبار می بخشد. در حقیقت خدا تنها یک واژه کار بُردی است و نه موجود پرستیدنی، و این واژه کار بُردی است که بجای خواسته ها و آرزوهای دست نیافتنی ما می نشیند، و هیچگونه کاربرد عملی ندارد.

تقلبی با تاریخ

واقعیت انکار ناپذیر تاریخ این است که اسلام از راه شمشیر به ایران تحمیل شد، بی آنکه ایرانیان بدنالش گشته باشند، همچنان که از راه شمشیر به دیگر سرزمین های خاور نزدیک و شمال آفریقا و اسپانیا نیز تحمیل شد، بهمین دلیل وقتی که شمشیر عرب در پواتیه فرانسه از برندگی افتاد، گسترش اسلام در اروپای غربی متوقف شد، و وقتی که این شمشیر در قسطنطنیه از کار افتاد، راه اروپای شرقی به رویش بسته شد.

این افسانه، که عرب مساوات اسلامی را با خود به ایران آورد، چون از تبعیضات اجتماعی و مذهبی پایان دوران ساسانی رنج میبرد، تقلبی دیگر با تاریخ است.

هرچند که این تبعیض ها واقعاً وجود داشت و این نارضایی ها را هم واقعاً همراه داشت ولی فاتحان عرب نه تنها هیچ کدام از اینها را از میان نبردند، بلکه تبعیضات بسیار سنگین تری را نیز بر آنها افزودند که نا پذیرفتنی ترین آنها تبعیض نژادی بود.

در این باره واقعیت تاریخ را از زبان یک مورخ سرشناس عرب سی شنویم که «عرب های فاتح خود را برتر از دیگران میپنداشتند و به ویژه بر ایرانیان مباحثات می کردند و آنها را موالی (بندگان آزاد شده) میخواندند و برای تحقیر آنان می گفتند سه چیز است که نماز را باطل می کنند، سگ، الاغ و ایرانی!

اگر به خلاف اسپانیا، ایرانیان در نهایت، دین و آیین مهاجمان را پذیرفتند، بخاطر این بود که با سقوط امپراتوری ایران دیگر پایگاهی برای دین زرتشتی باقی نمانده بود در صورتی که با سقوط اندلس، مسیحیان جبهه وسیعی در اروپای بیرون از مرز های خود پشت خویش داشتند.

در کتاب معتبر تاریخ قم، نوشته مورخی مسلمان از قرن چهارم هجری در ارتباط با این واقعیت می نویسد. «عربان دست برآوردند و مجموع سدهایی را که در میان رودخانه نهاده شده بود ویران کردند، چندانکه

کشتزار های مردمان بکلی خشک شدند.

و در همه اوقات با مردم شهر در کارزار بودند، سد ها و رودخانه هایشان را می شکافتند و لاجرم مردم چون در دفع آنان هیچ چاره و حیل نداشتند به ناچار به حکم آنان فرود آمدند، اما چون عرب بانک نماز گفتی، دهقانان آن ناحیت او را دشنام دادندی»

در چنین شرایطی تنها راه مبارزه ای که برای ایرانیان باقی مانده بود این بود که آیین حاکمان عرب را به رنگ آیین ملی خویش درآورند، به تعبیر ادوارد براون «تغییرات ناشی از قبول اسلام در نزد ایرانیان از پوست فراتر نرفت و به درون نرسید».

ایرانیان با نوآوریهای چون تشیع و عرفان، خیلی زود آیینی را که با شمشیر عرب به کشورشان تحمیل شده بود به چیزی تبدیل کردند که گرچه همچنان شباهتی با اسلام داشت ولی محتوای آن با آنچه پیامبر عرب در نظر داشت بسیار متفاوت بود.

بناچار ملتی که موجودیتش از هزار و چهار صد سال پیش از حمله عرب با هویت و آیین و زبان و فرهنگ خاص خودش درآمیخته بود رسالتی در پاسداری همه اینها برای خود قائل بود که هیچ یک از دیگر سرزمین های اشغال شده اعراب برای خود قائل نبودند.

و درست بهمین دلیل بود که مبارزه ملی برای بازستاندن این اصالت از شمشیرکشان بیگانه از همان فردای استقرار عرب آغاز شد و تا بازیابی استقلال از دست رفته به پایان نرسید، به گفته Renan «ایران با آنکه اسلام را پذیرفت، هرگز تسلیم عرب و فرهنگ بیابانی او نشد»

شمشیر زنان عرب از نظر مذهبی هیچ چیز تازه ای به ارمغان نیاوردند، تنها تغییری که در این میان رُخ داده بود، این بود که اهورامزدا تبدیل به الله شده، فرشته ها به ملائک و اهریمن به نام شیطان تغییر پیدا کرده بودند، زرتشت نیز جای خود را به محمد داده بود. آنچه ایرانیان حقاً می توانستند از آیین نو رسیده بطلبند بیش از حور و بهشت آن جهانی، عدالت و مساواتی بود که توسط موبدان ساسانی از آنها گرفته شده بود و همین آخوند سالاری موبدان بود که باعث پدید آمدن جنبش هایی انقلابی چون آیین مزدک گردید. ولی نه تنها چنین مساواتی را ایرانیان مطلقاً بدست نیاوردند، بلکه شوربختانه سرفرازی هزار و چهارصد ساله خویش را هم از دست دادند.

در هواپیماهای «آلاسکا ایرلاین» به هنگام پرواز و دادن غذا، نوشته هایی از آیه های انجیل، درون سینی غذا، بدون در نظر گرفتن باور های مسافرین به آنها، داده می شود. از سوی قانون فرهنگی خرافه زدایی به این کار اعتراض گردید، شما هم با دیدن چنین مواردی در هر کجا که هستید کار آنها را نکوهش کنید و از موضوع ما را هم آگاه سازید.

این کتابها به انگلیسی است توصیه می شود بخوانید.

1- Sinece & Religion, Are they Compatible?

نوشته ی Paul Kurtz

2- Can we be good without god?

نوشته ی Robert Buckman

3- Invasion Islam

نوشته ی Robert Morey

با نگاهی از دکتر احمد ایرانی

آشنایی با یک کتاب

می شود که جای خوشحالی بسیار است. امیدواریم اینگونه نوشته ها و افشاگری ها با زبان بازتر و در صفحات بیشتری ادامه پیدا کند و سایر نشریات هم به این کار ضروری بپردازند که بار دیگر مردم میهن ما گرفتار باور های پوچ و موهوم نگردند.

«عصر حجر، علم و خردگرایی» نام کتاب جدیدی است که بدست ما رسیده است. عصر حجر کتابی است خواندنی، آموزنده و مستند که بخش زیادی از آن در مورد زنان و اسلام میباشد، نویسنده و تنظیم کننده کتاب آقای سعید اوحدی ساکن سوئد می باشد. برای تهیه کتاب با ما تماس بگیرید. از متن کتاب: یکی از مهاجران زنی از انصار را برده بود، او می خواست با وی چنان کند. زن تن در نداد و گفت ما به یک پهلوی میخوابیم. خبر به حضرت رسول رسید و بدین جهت فوراً این آیه نازل شد «زن مال مرد است و هرگونه دلخواه اوست می تواند با او برآید....»

مسئولیت بزرگ

هم میهن گرامی، فرستادن این ماهنامه برای شما، تنها برای خواندن و بایگانی کردن آن نیست. دریافت این نشریه کوچک وظیفه بزرگی را به عهده شما می گذارد که کار خرافه زدایی در جامعه به واقع انجام گیرد. پیام های «بیداری» باید به دست همگان برسد که اینکار وظیفه اصلی شما در این راه است.

در غیر اینصورت، تلاش های ما و مکنونات قلبی شما بی نتیجه باقی خواهد ماند.

این کمک شما ارزنده تر از کمک های مالی شما می باشد خواهش می کنیم در این راه از هیچ کوششی کوتاهی نفرمایید.

کتاب «بی خدایی، آزادی از دین و سعادت انسان» از خانم اعظم کم گویان زن مبارز و بی باک، که با دلیری تمام ماهیت دین های به اصطلاح آسمانی را بازگو می کند انتشار یافت.

این کتاب در هشت بخش تنظیم شده که در بخشی از آن بکلی منکر وجود خدا شده است و تمامی دلیل هایی که خداشناسان برای اثبات خدا آورده اند رد می کند.

نویسنده در جایی می نویسد «باور به وجود خدا ناشی از انواع نیاز ها و آرزو های غیر منطقی و ضعف انسان است، در حالی که بی خدایی و تردید در وجود خدا ناشی از تفکر عقلانی و منطقی انسان ها است» و یا «ایمان اسلامی و مسیحی و یهودی چنان آنها را کور و سنگ دل می کند که به خاطر آن دست به قتل های دنباله دار میزنند».

نویسندگانی مانند خانم کم گویان براین باورند که دوران تعارف با دین ها و در پرده سخن گفتن ها به پایان رسیده است و برای ریشه کنی دین های خاورمیانه ای باید ماهیت خدای آنها را افشا کرد.

کم گویان در جایی دیگر از کتاب بی خدایی.... می نویسد «دین می آموزد که بنده و برده باشید، تحقیر شوید، خود را انکار کنید و مقاومت نکنید». خواندن این کتاب ارزشمند را به هم میهنان خود سفارش می کنیم.

آشنایی با یک مجله

مجله پژوهش، ماهنامه وزینی است که در سن دیاگو توسط دکتر مصطفی عرب انتشار می یابد، گهگاه در گذشته و اخیراً خیلی بیشتر مطالبی بر رد خرافات مذهبی و مذهب خرافاتی در این ماهنامه دیده

کتاب های خرافه ستیز نامدار دکتر لطف اله روزبهانی را بخوانید، مهدی بیا - دیو مقدس - محمد پیامبر شاه عرب - قرآن کلام محمد - ویرانگران - برای تهیه این کتاب ها با کتابفروشی ها و یاکانون فرهنگی خرافه زدایی تماس بگیرید.

بانوان و آقایان تحصیل کرده ایرانی که در غربت به کار بستن پیمان زناشویی پرداخته اید، از این فرصت تاریخی و آزادی سود ببرید، پیمان زناشویی ایرانیان را از کلام و مذهب تازی که ربطی به کشور با فرهنگ ایران ندارد پاک کنید و آن را کاملاً ایرانی کنید. اگر شما تحصیل کردگان به این مهم نپردازید چه کسی باید آن را انجام دهد و به این کار تحقیر کننده پایان بدهد. پیشگامی در این کار افتخار بزرگی نصیب شما خواهد کرد.

روشنفکران زحمت آفرین

برای شمای روشنفکر ساکن در یک کشور امن و آزاد که هنوز شجاعت گفتن حقایق در باره اسلام را ندارید چه ضرورتی ایجاد شده که با بیعتی کتبی و دوباره اعلام کنید، شما هنوز مسلمان شیعه دوازده امامی (خشن ترین نوع از فرقه اسلام) هستید.

اگر در گذشته مردم توانستند در مقابل تجاوز های خودکامکان عرب گهگاه سری بلند کنند، انسان هایی مانند بابکها و مازیارها و ابومسلم ها داشتند، نه روشنفکرانی مفتخر و معتقد به یک جریان عقب مانده و متجاوز به حقوق بشر و انسانیت، مانند عبدالکریم سروش ها، علی شریعتی ها، ابوالحسن بنی صدرها و متأسفانه دکتر متینی ها.

شما به اصطلاح روشنفکران ایران که شوربختانه تعدادتان هم کم نیست، در درازای تاریخ، فتحعلی آخوند زاده ها را تنها گذاریدید، میرزا آقا خان کرمانی ها را تنها گذاریدید، صادق هدایت ها را دق مرگ کردید و تنها گذاریدید، احمد کسروی ها را در دست جنایتکاران تنها گذارید تا همه از بین رفتند و کارشان به سامان نرسید. شما روشنفکران مذهبی (دوازده امامی!) اجازه نمیدهید مردم ایران از این فرهنگ زحمت آفرین و خطرناک مذهبی دست بکشند، تشویقشان به ترک اوهام نمی کنید هیچ، افتخار به داشتن آن را هم اینجا و آنجا بیان می کنید.

تا زمانی که وضع روشنفکران ما این است محال است ایران قد راست کند و خود را از گرفتاری یک هزار و چهارصد ساله رهایی بخشد از این گرفتاری و تجاوز مسلم و آشکار، فردوسی، ابن سینا، رازی، حافظ، مولوی، خیام..... ذبیح بهروز، زرین کوب و هزار ها ایرانخواه دیگر به هزاران شکل فریاد زده اند، آیا شما هنوز این هشدار ها و فریاد ها بگوشتان نرسیده است، آیا هنوز فکر می کنید ویرانی ایران را خمینی و خامنه ای ها باعث شده اند. نخیر جناب استاد مردم ایران هر چه می کشند از دست روشنفکران تیره دل خود مانند بازرگان ها، دکتر یزدی ها، دکتر سروش ها، و دکتر زهر مار های فراوانی است که در همین آمریکا بنیاد های مذهبی راه انداخته اند و یا مقاله مینویسند و بیضه اسلام را رها نمی کنند. شما روشنفکران ایرانی چند قرن از سید احمد کسروی آخوند عقب تر هستید که نزدیک به هشتاد سال پیش عمامه از سر برداشت و بزمین کوفت و با صدای رسا این دین فتنه گرو خشن را به من و شما معرفی کرد، و شما هنوز خوشحالی که اعلام کنید مسلمان شیعی دوازده امامی هستید. زهی بدبختی...

از ما می پرسند چرا مذهب شیعه که ابتدا قرار بود ایران را از دست دین تحمیلی و خلفای عرب رها سازد، نه تنها کاری از پیش نبرد، بلکه وحشیانه تر از دین وارداتی، فرهنگ ایران را تا ریشه سوزانید و از تند روترین فرقه های اسلام گردید.

بدنبال پاسخ مناسبی برای این پرسش بودیم که نوشته باور نکردنی یک روشنفکر ایرانی کلید حل معما گشت.

دکتر جلال متینی، نویسنده، ادیب، محقق، تاریخ شناس، استاد دانشگاه و روزنامه نگار که با داشتن این همه عنوان، ظاهراً بایستی روشنفکر هم باشد در تاریخ ۳۰ خرداد ۸۲ طی مقاله ای در روزنامه عصر امروز لس آنجلس می نویسد «جمهوری اسلامی از اسلام چهره بسیار کزیه ارائه داده است» دکتر متینی در این مقاله از اسلام راستین دفاع می کند. از اسلامی که تاکنون یک نمونه از آن در هیچ کشور اسلامی دیده نشده است.

دکتر متینی خمینی را باعث لکه دار شدن دامن اسلام میدانند و سعی فراوان در پاک کردن این لکه ننگ مینماید.

او به دفاع از مذهبی می پردازد که مورخین عرب خود به کرات چهره این دین شمشیر نشان را که بر محور دیکتاتوری امر به معروف و نهی از منکر بروی پای خود ایستاده فاش نموده اند. ولی روشنفکران ایرانی کاسه داغ تر از آش و کاتولیک تر از پاپ توجهی به حقایق تاریخی و زیانهای حاصله از اسلام را بر میهن ما نمی کنند. و دانسته و نادانسته راه خود میروند.

تأسف بارترین بخش مقاله آقای متینی آنجاست که می نویسد «حکومت اسلامی ایران با کمال تأسف از اسلام چهره بسیار کزیه در ایران و جهان ارائه داده است و نتیجه این سیاست ضد ایرانی (!) و ضد اسلامی چیزی جز این نبوده است که هر روز بر تعداد هموطنان مسلمان شیعی ما که تغییر مذهب میدهند افزوده شود و گروهی از آنان مسیحی و عده ای دیگر زرتشتی گردند.

دکتر ادامه میدهد «من به عنوان یک ایرانی شیعی دوازده امامی اطمینان دارم، همچنان که ایرانیان پس از حمله تازیان سرانجام قد راست کردند، بر حکومت ولایت فقیه هم غلبه خواهند کرد.

آقای دکتر گرامی، مردم با داشتن روشنفکران اسلام دوستی مانند شما که در یک روزنامه پُر تیراژ کتباً سند میدهند و افتخار می کنند که مسلمان شیعی دوازده امامی است، چگونه و چطور قد راست خواهند کرد.

« تا آزادی انتقاد وجود نداشته باشد، ستایش ارزنده ای هم وجود نخواهد داشت »

شعار صفحه نخست فیگارو در سد سال گذشته، از «بومارش».

یکتا بودن خدا چه مزیتی دارد

یکی از افتخارات دین های توحیدی آن است که کشف کرده اند آفریننده جهان یعنی خدا یکی است! ولی استدلال نمی کنند که یکتا بودن خدا چه مزیتی و افتخاری دارد و چطور ثابت شده که خدا یکی است.

بیشتر پدیده های هستی از نتیجه تعادل دو نیروی کاملاً مخالف شکل می گیرد و بدون بودن نیروی مخالف نیروی اولیه مفهومی ندارد، اگر روشنائی در برابر تاریکی نباشد، روشنائی خود مفهوم و اثری ندارد و اثر آن هنگامی مشخص می شود که نیروی مخالف آن وجود داشته باشد.

همینطور است روز و شب، سرما و گرما، نور و ماده، الکترون و پروتون مثبت و منفی در ملکول و ماده.

بنا بر این اگر فرض کنیم که جهان آفریدگاری دارد، به عقل نزدیکتر خواهد بود که بجای یک خدا، دو خدا وجود داشته باشد تا حالت طبیعی دو نیروی لازم و ملزوم در اینجا هم دیده شود.

جالب است که می بینیم خود یکتا پرستان در برابر خدا نیروی مخالف او را پدید آورده و آن را به نام شیطان معرفی کرده اند که همان نیرو و توان خدا را دارد. از این یکتا پرستان باید پرسید، شیطان را چه کسی آفریده، اگر این دردسر بزرگ را نیز خدا برای انسان آفریده آیا باز هم باید بپذیریم که یکتا پرستی افتخار است؟ و یا اینکه چنین باوری یک ناآگاهی مسلم و نشانه ای از تاریک اندیشی و ندانستن های بسیار می باشد.

چنین خدایی که خداوند ادیان توحیدی است، با توجه به نوشته های کتابها و دستورات دینی فقط می تواند یک خود پرست پُر مدعا و دشمن زمین و مردمان آن باشد و بس. ضمناً پیشینه یکتا پرستی برخلاف ادعای ادیان سامی به بیش از ۶ هزار سال می کشد که چینی ها ۳۴۰۰ سال پیش بدلیل خالی بودن منطق و عاری بودن از معیار های علمی یکتا پرستی را کنار گذاشته و به اخلاق و کنفوسیوس روی آوردند. و این کاری است که بالاخره جهان بشریت بطور نهایی به آن خواهد رسید.

با دلیری در وجود خدا شک کنید، اگر وجود داشته باشد، شجاعت منطق را بیشتر از کوری ترس می پذیرد. تامل جفرسون خدایی را که با چشم ندیده ای، با زبان اختراع مکن مثل یهودی شمشیر و صلیب دو متجاوز به حقوق بشر هستند رابرت اینگرسل

سخنانی برای اندیشیدن

- در دنیایی که گاو مقدس است چرا پاپ نباشد.
- روحانیون به این دلیل لباس های بلند و گشاد می پوشند که پول پارچه را دیگران پرداخته اند.
- اگر خدا میدانست پیامبرانش کاری از پیش نخواهند بُرد، چرا از اول فکر بهتری نکرد.
- زمین لرزه به همان اندازه روسپی خانه را ویران می کند که کلیسا و مسجد را
- از نظر روحانیون، اگر مردم ایمان داشته باشند کافی است، ولی، اگر شعور نداشته باشند اشکالی ندارد.
- نویسندگان کتابهای آسمانی نمیدانستند زمین گرد است، به عمق نادانی آنها پی ببرید.
- پیدایش دین بیش از اختراع باروت سبب کشتار انسان ها شده است.
- کتاب های آسمانی برای آن پُر فروش هستند که برای عوام نوشته شده اند.
- انسان یا روشنفکر است یا مذهبی
- ساده ترین کارها دعا خواندن و سخت ترین کارها اندیشیدن است.
- از بهم پیوستن جویبار های خرافات رود دین پدید می آید
- دیندار عاقل کسی است که پس از خواندن دعا به خود بخندد
- هدفم خنداندن شما نیست، اما بد نیست کتابهای آسمانی را بخوانید.
- معجزه دین همین است که ناآگاهان آن را باور دارند.

نوشته های ضد خرافی افراد زیر را از کتابفروشی ها و یا کانون ما تهیه کنید و بخوانید.

دکتر مسعود انصاری، استاد شجاع الدین شفا، دکتر ایرانی، مهندس نادر پیمایی، دکتر لطف اله روزبهانی، علی میرفطروس، سعید اوحدی، اعظم کم گویان، جمشید شمالي، دکتر بابا لاوی

عزیزان خواننده، این دوّمین شماره را یگان را هم با صرف هزینه و وقت زیاد به اعتبار شناخت روشنفکری شما، برایتان میفرستیم، ادامه انتشار این کار بستگی به همت والای شما دارد که بتوانیم شماره های بعدی را برای شما بفرستیم، کم و زیاد مبلغ کمک مهم نیست، بلکه نشاندهنده آنست که بدانیم شما هنوز مایل به دریافت «بیداری» هستید یا نه.

علائم ظهور امام مهدی قائم

بقیه از صفحه ی اول

سومین نشانه ظهور امام که در همان کتاب شیخ طوسی آمده، عیسی ابن مریم از آسمان برای یاری قائم فرود می آید، زمین در جزیره العرب فرو میرود و آتشی در قلب شهر عدن بیرون می آید.

نشانه بعدی، از همان کتاب، آمدن خشکسالی و شکافتن نهر فرات است نشان جالب دیگر از آمدن امام غائب که به روایت علی ابن بابویه آمده، شیوع بواسیر، سگته و جذام می باشد.

امام محمد باقر گفته، پیش از ظهور امام غائب ماه و خورشید گرفتگی پیدا می کند این گرفتگی چنان وحشتناک است که حساب ستاره شناسان بهم میخورد.

امام جعفر صادق گفته پیش از ظهور دوگونه مرگ سرخ و سفید بوجود می آید و دو سوم مردم نابود می شوند.

شیخ مفید در کتاب ارشاد می نویسد، پیش از ظهور امام قائم ستاره ای از شرق طلوع می کند که مانند ماه درخشش دارد و سه یا هفت روز در هوا باقی میماند و مردان کشور ایران به جان هم می افتند و کشته می شوند!

نشانه دیگر، که شیخ طوسی در کتاب غیبت از علی ابن ابیطالب روایت کرده پیش از ظهور، ملخ هایی می آیند که رنگ خون دارند.

در همین کتاب شیخ طوسی نوشته، پیش از ظهور امام، جوانان طایفه های بنی امید و بنی عباس بطور ناگهانی سالخورده می شوند و خداوند به پرندگان و درندگان فرمان میدهد گوشت آنها را بخورند! این نشانه ها به اضافه نشانه های دیگر از همین قبیل از کسانی است که امام زمان را ساخته و پرداخته اند اگر کسی آمدن امام زمان را باور دارد، این نشانه ها را هم باید بپذیرد.

برای ما بین ادیان مختلف هیچ گونه تفاوتی نیست. تنها به دلیل آشنایی بیشتر با اسلام و تعداد بیشتر مسلمان زادگان عضو کانون به نقد اسلام می پردازیم. امیدواریم هرچه زودتر به یاری روشنفکران زاده سایر ادیان نقدهای بیداری شامل همه ادیان بشود.

قابل توجه خوانندگان بیداری

کشور های ایران و مصر، دو کشور متمدن قدیمی که هر دو اینک اسیر یک سیستم مذهبی واپس گرا و خطرناک اسلامی هستند، غیر ممکن نیست که از این دین تحمیلی و ناخواسته رهایی پیدا کنند. تلاش رهایی بخش باید روزی و از جایی آغاز شود، کانون فرهنگی خرافه زدایی پیشنهاد می کند، در یک گرد هم آیی مشترک از روشنفکران ایرانی و مصری این مهم را آغاز کنند و طی بیانیه رسمی خواهان رها شدن کشور های خود از جرگه و جمع کشور های اسلامی گردند، حتی انتشار چنین بیانیه ای در سطح جهان، بخودی خود می تواند بنیاد و پایه های این تفکر عقب مانده ۱۴۰۰ ساله را تکان بدهد و سست کند، نسل های جوان این دو کشور از این آمادگی برخوردار هستند، تنها بایستی کار را آغاز کرد تا به نتیجه ای رسید. پیشنهاد های خودتان را برای انجام این کار مهم به آدرس ما بفرستید. سپاسگزاریم

فعلاً «بیداری» جای زیادی ندارد که نوشته های طولانی را چاپ کند. تا بکمک خوانندگان آگاه بتوانیم به تعداد برگ های نشریه بیافزاییم. مهر بورزید نوشته های خود را خیلی کوتاه بنویسید.

پس از انتشار شماره نخست بیداری، تلفن های محبت آمیز زیادی از سراسر جهان داشتیم که بما تبریک می گفتند. رسانه هایی را هم خواندیم و شنیدیم که در باره بیداری سخن گفتند و آرزوی پیروزی برایش نمودند. از آن جمله در برنامه گفتنی ها و دیدگاههای رادیو بیست و چهار ساعته صدای ایران، برنامه صبحگاهی رادیو ۶۷۰ ای ام، هفته نامه ایرانشهر، تلویزیون رنگارنگ، ماهنامه گلچین در هوستن تکزاس، نشریه اصغر آقا چاپ لندن و مجله ای از انتشار بیداری گفتند و نوشتند که از همه این عزیزان سپاسگزاریم و به پشتیبانی دائمی آنها برای معرفی بیداری نیاز مبرم داریم.

از ترانه سرایان و خوانندگان ایرانی می خواهیم که در کارهای خود از سرودن و خواندن ترانه های مذهبی خود داری کنند و احساسات هیجان آور دروغین در مردم بر نانگیزند. خوانندگی و مداحی دو کار متفاوت است.

روزنامه محترم بیداری، در روزنامه عصر امروز بتاريخ سه شنبه دهم تیرماه ۸۲ نوشته کوتاهی از آقای دکتر صدرالدین الهی دیدم که بسیار شگفت زده شدم.

آقای دکتر الهی دین ستیزی را مورد انتقاد قرار داده و آن را مد روز خوانده است.

نوشته اند «تجربه تلخ حکومت اسلامی نوعی فلسفه تازه دین ستیزی را مد روز کرده است» به ایشان بنویسید آقای دکتر، اوقوربخیر! دین ستیزی مد روز نیست و صحبت امروز و دیروز نیست. جدال با آن به فردای ظهور ادیان بر میگردد و هرگز هم متوقف نشده است. دین ستیزان می گویند دین ابزار استقرار دیکتاتوری ها، عقب ماندن انسان ها و کُند شدن روند علم و دانش است.

کجای این ادعا ها غلط است که شما آن را نمی پذیرید و دین ستیزی را مردود می کنید. در همانجا دکتر الهی می نویسد «اینها هرکسی را نماز بخواند، به کلیسا برود، شنبه ها دست به آتش نزند، عقب مانده، مذهبی و کهنه پرست می خوانند و باور ندارند که تمامی مردم جهان هریک به نحوی رو به سوی خدایی دارند که در دل آنها است» نخیر جناب دکتر اشتباه میفرمایید.

اولاً که تمامی مردم جهان رو به سوی خدایی ندارند، این تعداد یکهزار و ده هزار و صد هزار نیست، میلیون ها میلیون هستند که در کشور های کمونیستی و حتی کشور های مذهبی زندگی می کنند و روبسوی هیچ خدایی ندارند و هیچ اتفاقی هم نمی افتد.

و البته که کسی شنبه ها دست به آتش نزند و یا کار نکنند، نمازی هم بخواند که معنای آن را نداند و یا نمازی بخواند که به بهشت برود، کهنه پرست و خرافاتی است. آیا شک دارید؟

دکتر صدرالدین الهی نوشته است، «اکثر دین ستیزان با باورهای اکثریت مردم در می افتند و راه و رسم احترام به فکر طرف مقابل را نمیدانند»

از ایشان باید پرسید، به چه چیزی از این ادیان بایستی احترام گذارد. به قتل هایی که در طول تاریخ انجام داده است، به زندان هایی که گشوده است، به شلاق هایی که میزند، به گردن هایی که هنوز از سرها جدا می کند، به چشم هایی که در می آورد، به زوری که می گوید، به جنگ هایی که راه انداخته است، به توهین و تحقیر هایی که بر انسان روا میدارد، به فقر و فحشای جهانگیرش... به چه چیز این ادیان و باورمندان متعصب آن باید احترام گذارد و تاکی بایستی در مقابل این خطا فکرن سکوت کرد که به کار های زشت و خطرناک خود ادامه بدهند...

آقای سردبیر، از دیدن بیداری خوشحال شدم من یک خانم مسیحی هستم چندی پیش برای خرید گوشت به یک فروشگاه ایرانی رفتم، خانم مسلمانی به قصاب مکزیکی فروشگاه معترض بود چرا گوشت ذبح اسلامی و حلال را کنار سایر گوشت ها گذاشته اند.

به قسمت کالباس فروشی همان فروشگاه مراجعه کردم آنجا هم فقط کالباس ذبح اسلامی داشتند البته برای من هیچ کدام فرقی نمی کند ولی این کالباس های اسلامی که اصلاً مزه ندارد قابل خوردن نیست.

فقط میخواستم به این خانم های متعصب مسلمان بگویم، هیچ میدانید آن چاقویی که قصاب، گوشت را برای شما میبرد و آن چرخ گوشتی که برایتان کالباس ورقه ورقه می کند و سایر وسایل آن فروشگاه را یا مسیحی ها ساخته اند یا کلمی ها که شما استفاده میکنید. اگر میخواهید همه چیز حلال داشته باشید بروید عربستان، اینجا چکار می کنید.

ویکتور داویدی

یک یادآوری و یک بازگویی ضروری

۱- در کارنامه کانون فرهنگی خرافه زدایی که در شماره پیش «بیداری» ارائه کرده بودیم یک مورد از سخنرانی های انجام شده از قلم افتاده بود که بدین وسیله تکمیل می شود و از سخنرانان گرامی پوزش می خواهیم.

انجام سخنرانی با شرکت دکتر لطف اله روزبهرانی در باره «برخورد علمی با مرگ» و آقای سیامک ستوده در باره «نقش اسلام در استقرار مرد سالاری» که این سخنرانی های جالب مورد توجه بسیار شرکت کنندگان قرار گرفت.

۲- لازم به بازگویی است که کانون فرهنگی خرافه زدایی بخاطر پیشرفت کار خود ناچار است یک کانون کاملاً غیر سیاسی باشد و نفوذ هیچ ایدئولوژی سیاسی را در اهداف و برنامه های خود نپذیرد. اهداف کانون به روشنی در صفحه آخر درج گردیده است.

شاخه های کانون را با حدّ اقل سه نفر در شهر سکونت خود تشکیل دهید. آئین نامه مربوطه و طرز شروع کار را بخواهید تا برایتان بفرستیم. تشکیل شاخه ها یک کار اساسی در این راه است.

خانقاهها بزرگترین مرکز خرافات هستند

اگر مجبور شوید، روزی بین اسلام و ایران تنها یکی را داشته باشید، شما کدامیک را انتخاب می کنید. امروز همان روز است!

ولتر ایران میرزا آقاخان کرمانی می گوید:

«این پیامبر اسلام، از برای اصلاح ملت عرب آمد که مشتی شتر چران بیابان، حیوان شیر خورخوار و گرسنه پا برهنه سوسمار خوار بودند. او فراخور آنها بود نه شایسته ایران متمدن.

تا روزیکه مردم ایران پایبند دین تازی باشند و آراسته به اوصاف مسلمانی هرگز از میانشان یکی کاهه آهنگر، یا جمشید و فریدون و رستم زال و بوذرجمهر یافت می نخواهد شد... زیرا در ایران باستان دروغ گفتن از گناهان بزرگ بوده...

امروز گمان نمی کنم در تمام ملت مسلمان بخصوص ایرانیان یک راستگو باشد...»

آگاهی

مورد توجه نویسندگان، چاپخانه ها و ناشرین

بدیوسیه سازمان انتشاراتی Short-Run Publishers به آگاهی نویسندگان و ناشرین می رساند، نویسندگانی که تا کنون به دلیل گرانی چاپ کتاب در تیراژ کم (۱ - ۲۰۰ نسخه) دچار دشواری ها می شدند، می توانند با این سازمان تماس گرفته و کتاب خود را به کمترین بها و زودترین زمان به چاپ برسانند.

سازمان Short-Run Publishers برای پاسخگویی به این دشواری ها اکنون آماده خدمت به هم میهنان است.

توانایی های ما، در حال حاضر عبارتند از (به انگلیسی و به فارسی):
حروفچینی، لغزشگیری، صفحه بندی، چاپ محتوی، طرح و چاپ جلد و صحافی.

* اگر نسخه دست نویس آماده هست، ما کتاب چاپ شده را تحویل می دهیم

* اگر حروفچینی و صفحه بندی انجام گرفته، ما بقیه کار را انجام می دهیم

* اگر احتیاج به پوشش (جلد) هست، ما طراحی و چاپ را می کنیم

* اگر کار آماده به صحافی است، ما صحافی را خواهیم کرد

همه کارها را به پایین ترین بها و در کمترین زمان انجام می دهیم. هدف

پاسخگویی به دشواری انتشار کتاب های کم تیراژ است، در کمترین زمان و

نازلترین بها. از ماه آینده CD کتاب های گویا نیز صداپردازی، چاپ و پخش

خواهند شد. این خدمت برای ایرانیان جوانی است که سواد فارسی ندارند.

Short-Run Publishers
4773 Hollywood Boulevard
Los Angeles, CA 90027
Tel. 323-666-4278
Fax. 323-666-4271
e-mail: Armen@cflwest.org

نوشته های متعدد و جالب خرافه ستیز خستگی ناپذیر و دلیر،
خانم سرور را «در معرفی خرافات» در سایت اینترنتی گلشن
بخوانید.

- وقتی با دعا خواندن می شود به بهشت رفت، احتیاجی نیست آدم خوبی باشیم.

- از نادان درس نخوانده نترسید، از درس خوانده نادان بترسید.

- حساب بانکی خدا پُر از رشوه نماز و روزه و دعا های مؤمنین خطا کار است.

- دکانداران دین و فروشندگان مواد مخدر هر دو به مغز آسیب می رسانند. از سلام

«تقیه» Dissimulation، خود داری از ابراز عقیده و مذهب.
«توریه» Feigning، پوشانیدن حقیقت و برخلاف نشان دادن آن.
دو ابزار کار دین اسلام است که جمهوری اسلامی ایران به بهترین شکل از آنها بهره می گیرد و به تمام جهانیان در تمام موارد سیاسی و غیر سیاسی دروغ می گوید.

سخنی با روشنفکران راستین

نویسندگان، استادان مراکز علمی، وکلا، مهندسان، پزشکان روشنفکر، برنامه سازان روشنفکر رادیو و تلویزیون، تحصیل کردگان روشنفکر بازنشسته و شاغل و کلیه ایرانیانی که «بیداری» را دریافت داشته و یا آن را دیده اید. خواهش می کنیم برداشت های خود را از نوشته های بیداری با ما در میان بگذارید، و ما را راهنمایی کنید.

و به ما یاری دهید که این کار بزرگ را درست بجلو ببریم، بی تفاوتی شما می تواند پیشرفت این کار را به عقب بیاندازد و دخالت نکردن شما در کاری که از شما نظر خواسته می شود پرسش برانگیز می گردد و ما را ناچار می کند با کمترین نیرو و سخت ترین وضع کار را جلو ببریم که با دسیسه خرافه گستران پُر زر و زور امکان شکست وجود دارد.

دوباره خواهش می کنیم از بزرگی های دانش خود هزینه ای هم برای این کار با اهمیت در نظر بگیرید و ما را راهنمایی کنید.

اگر از برده شدن نامتان ابایی دارید با امضاء محفوظ و یا حتی با نام مستعار، به این کار بپردازید.

* قابل توجه آن عده از روشنفکرانی که شخصاً و یا به یادداشتی درخواست اظهار نظر گردید و تاکنون پاسخی نداده اند.

پیشگامان

پس از انتشار اولین شماره بیداری هم میهنان آگاه دل زیر، به کانون کمک مالی نمودند که از یکایک آنها بی نهایت سپاسگزاریم. به انتظار یاری دیگرانی هستیم که علاقمند به یاری دادن بودند، تا بتوانیم به انتشار بیداری در راه تنویر افکار جامعه تداوم و سرعت ببخشیم.

پذیرش عضویت، بشما کتباً اعلام خواهد شد.

☐ اشتراک بیداری ☐ عضویت کانون		فرم درخواست
Name	نام	
Lastname	نشان	
آدرس		
تلفن منزل		
تلفن کار یا دستی		
آدرس Email اگر دارید		
- مايلم عضو کانون گردم و ماهيانه..... دلار حق عضویت بپردازم.		
- مايلم نشریه بیداری را مشترک گردم و ساليانه..... دلار حق اشتراک بپردازم		
اگر (بهر دلیلی) نگرانی دارید از نام مستعار استفاده کنید از این فرم کپی بگیرید و برای ما بفرستید		

آدرس خود و دوستانتان را تلفنی یا با فکس شماره 949-252-8049 بدست ما برسانید تا نشریه «بیداری» برایتان فرستاده شود.

برای تشکیل کتابخانه کانون، کتابهای مربوط به خرافه زدایی «فارسی یا انگلیسی» خود را به ما هدیه کنید تا سایرین هم به آنها دسترسی پیدا کنند پیشاپیش از شما سپاسگزار می باشیم.

آقای م - خ	سن دیاگو	۴۰	دلار
آقای ن - پ	سن دیاگو	۷	جلد کتاب
آقای دکتر ب	نیوجرسی	۷۰	دلار
خانم ژ - ش	لس آنجلس	۱۰۰	دلار
آقای ش - ج	پنسیلوانیا	۵۰	دلار
آقای س - ع	ویرجینیا	۳۰۰	دلار
آقای ه - الف	لس آنجلس	۱۰۰	دلار
آقای م - ه	لس آنجلس	۲۵	دلار
آقای دکتر ل - ر	گرانادا هیلز	۱۰۰	دلار
آقای دکتر الف - م	تارزانا	۵۰	دلار
خانم پ - د	لیک فارست	۲۵	دلار
آقای دکتر الف - الف	موتتری	۵۰	دلار
آقای الف - الف	ون نایز	۶۰	دلار
از حقوق دولتی SSI خود			
خانم م - پ	لس آنجلس	۳۰	دلار
از حقوق دولتی SSI خود			
آقای ج - الف	پالم اسپرینگ	۱۰۰	دلار
آقای س - ن - ه	نیویورک	۵۰	دلار
آقای ن - الف	ارواین	۱۲	دلار
آقای ف - الف	وست مینیستر	۵۰	دلار
آقای م - ص	میشن ویه گو	۳۰	دلار
آقای ه - الف	سن دیاگو	۳۰	دلار
آقای ع - ن	مریلند	۱۰۰	دلار
آقای الف - ب	پالم اسپرینگ	۱۰	دلار

بیداری

چشم انتظار راهنمایی شما است

بهای نشریه بیداری

ما بنیادگذاران این کانون تا حد گذشتن از جان، برای رهایی میهن مان از بلای خرافات حاضر به پرداخت بها گردیده ایم.

شما هم به اندازه توانایی و همت عالی خود بهایی برای این نشریه تعیین کنید و برای ادامه کار به آدرس زیر بفرستید کمک های شما از معافیت مالیاتی برخوردار میشود. اگر مایل هستید شماره های بعدی این نشریه استثنائی را بدست آورید. آن را حتماً آبونه شوید. چون امکان پخش آزاد آن در یک جامعه تعصب زده فعلاً وجود ندارد.

آدرس، تلفن، فکس، سایت الکترونیکی، شماره حساب کانون

C.C.E.S. (Cultural center For Eradication of Suprestitution)

2222 Michelson # 202

Irvine CA 92612

USA

Tel & Fax 949-252-8049

www.bidari.org

Bank of America Account # 24390-04777

اهداف کانون فرهنگی خرافه زدایی

- ۱- رهایی انسان از چنگال جهل و خرافات دینی و ترویج خردگرایی به روش های علمی و منطقی.
- ۲- حذف آموزش های دینی از رسانه های همگانی، دستگاه های آموزش و پرورش و دستگاه های دولتی.
- ۳- ترویج سکولاریسم
- ۴- فرهنگی و دموکراتیک بودن کانون و بستگی نداشتن به هیچ ایدئولوژی و احزاب سیاسی

بیداری نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی

C.C.E.S.

2222 Michelson Dr. # 202

Irvine CA 92612

USA

Presorted Std
U.S. Postage
PAID
Arcadia, CA
Permit No. 208

To: